



زمان علی رضایی

سرو سرافراز مقاومت

نگاهی کوتاه به برخی از ابعاد شخصیتی شهید
وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری

صلابت دشمن شکن، نه تنها به عنوان یک مجاهد اسلحه بر دوش، بلکه به عنوان یک شخصیت پیشتاز و ترسیم کننده خط مبارزه در ابعاد سیاسی، فرهنگی و نظامی وارد صحنه کارزار پیچیده افغانستان شد.

اکنون که در آستانه سالگرد شهادت این ابرمرد تاریخ ساز و همراهان و هم‌زمان با وفای ایشان به دست پلیدترین و منفورترین گروه قرن - گروهک تروریستی و متحجر طالبان - قرار داریم، بر آن شدیم تا یاد دوباره از آن شهدای والا مقام کرده و به برخی از ویژگی های شخصیتی و مبارزاتی رهبر شهید اشاره ای بکنیم.

یادآوری این نکته ضروری است که خصوصیات رهبر آزاده و روشن ضمیر ما به آن چه که در پی می آید، هرگز خلاصه نمی شود؛ بلکه طبق ضرب المثل معروف: «آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید»، تنها به گوشه هایی برخی از ویژگی های آن اقیانوس عظیم پرداخته ایم؛ امیدواریم که مرضی حق تعالی و روح قدسی آن شهید ارجمند قرار گیرد.

۱. انگیزه قوی

استاد مزاری در جامعه ای می زیست که حاکمان نالایق و ستمگر با یکه تازی های خود، کشور را در طول قرن های متمادی جولانگاه استبداد، تبعیض و تحمیق شان کرده، مردم این دیار را در جهل، محرومیت و استضعاف نگهداشته

در امتداد تاریخ پرفراز و نشیب بشریت و در هنگامه پدید آمدن جو خفقان زا، مسموم کننده و ستم پرور، افرادی با ویژگی هایی برجسته و منحصر به فرد از میان توده مردم قد برافراشته، بی باک و نترس در برابر دستگاه های زور، تعصب و انحراف تا پای جان ایستاده و رشادت ها و فداکاری های حیرت انگیزی از خود به نمایش گذاشته اند. البته انگشت اشاره ما به آن دسته از سودجویان و فرصت طلبانی که در برابر رقبا و یا مخالفان سرسخت خود خشونت ها و قساوت های زیادی نشان داده و نامشان در صفحه سیاه تاریخ به ثبت رسیده اند، نیست؛ بلکه منظور انسان های پاک باخته و از خود گذشته ای است که صرف برای خدمت به دین خدا و خلق او کمر همت بسته و در سنگر مبارزات سیاسی، فرهنگی و نظامی حق طلبانه با تلاش ها و مجاهدت های تحسین برانگیز، ارمغان های بزرگ و حیاتی برای مردم خود کمایی کرده اند.

به یقین، یکی از این افراد شایسته و ممتاز که نام بلندش همیشه بر تارک تاریخ پرافتخار کشور می درخشد و درخشش این نور جاودانه و ابدی خواهد بود، چهره آشنای ملی، مبارز نستوه، فریادگر عدالت خواهی و دشمن سرسخت تعصبات ویرانگر و کور قومی، مذهبی و گروهی، «استاد شهید عبدالعلی مزاری» است؛ همو که با درک ضرورت جهاد مسلحانه بر ضد متجاوزان خارجی، سنگر مستحکم مبارزه را بر حجره درس و مباحثه ترجیح داد و با ایمان و

بودند. هر روزی که می‌گذشت احساس مسئولیت در قبال اوضاع نابسامان و نابهنجار وطن و وضعیت اسفبار ساکنان این مرز و بوم و انگیزه مبارزه بر ضد تحمیلگران جنگ و عاملان سیه‌روزی مردم مظلوم، به‌خصوص بعد از تجاوز آشکار عساکر شوروی سابق، در وجود ایشان شدیدتر و قوی‌تر می‌شد. شهید مزاری کسی بود که سالیان سال درس خوانده و تحصیل کرده بود. تاریخ خونبار ملت خود را مطالعه کرده و از درد و رنج‌شان باخبر بود. او که می‌دید اکنون کشور تحت اشغال قرار دارد، اولویت مبارزه با آن‌ها را به خوبی درک کرده و در این راستا مردانه وارد عرصه شد و ضمن صحبت‌ها و سخنرانی‌های آتشین برای اجتماعات مختلف به عنوان آگاهی‌دهی که یکی از وظایف اصلی یک روحانی است، با جمع‌آوری جوانان، انگیزه‌دهی به آنان و هدایت‌شان به سوی سنگر، اقدام‌های عملی خود را نیز آغاز کرد. از آن‌جا که ایشان ایمان قوی و انگیزه جدی در امر جهاد و مبارزه داشت، دیری نیابید که توجه و علاقه‌مندی بسیاری از جوانان به وی افزایش پیدا کرد و جدیت و صداقتش باعث شد که عملاً سکانداری مبارزات سیاسی و نظامی را بر عهده بگیرد.

استاد شهید در طول جهاد مقدس، به دور از خانه و خانواده، لحظه‌ای سنگر را رها نکرد و دمی نیاسود؛ با آن‌که در این راه مقدس، بهترین و نزدیک‌ترین عزیزانش را از دست داد؛ اما همچنان ثابت و استوار در راه جهاد بر حق باقی ماند.

۲. مبارزه پیگیر

در آغاز جهاد يك خیزش عمومی در سراسر مملکت صورت گرفت و افراد زیادی از علماء، تحصیل‌کردگان، روشنفکران، بازاری‌ها و غیره در صف مبارزه پیوستند. تشکل‌های سیاسی و نظامی سمائق‌گونه از نقاط مختلف

داخل و خارج کشور سر برآوردند؛ اما به تدریج و به مرور زمان یا به کلی صحنه را ترک گفتند یا در سرحد حفظ موجودیت باقی ماندند و یا از خط جهاد فاصله گرفته، به جلب و جذب کم‌های خارجی تحت عنوان جهاد پرداخته، برای خود و اطرافیان خود ذخیره کردند و چنان‌که شاهد بودیم بعد از هزیمت سربازان شوروی متأسفانه همه توان، سلاح و امکانات بادآورده را برای سرکوب یکدیگر و قتل عام مردم مصیبت‌دیده و خسته از جنگ به کار بستند.

در این میان استاد مزاری از جمله معدود کسانی بود که در طول دوران جهاد هیچ‌گاهی از راه مقدسی که در پیش گرفته بود، دل‌سرد نشد و در تمام فراز و فرود مبارزات توان‌فرسا و نفس‌گیر ضمن ابراز انزجار از جنگ‌های خانگی، مجدانه و پیگیر در راستای تحقق اهداف اصولی جهاد، فعالیت خویش را ادامه داد.

مهم‌تر از همه این‌که همه کسانی که با شهید مزاری بودند و هنوز هم هستند و نیز کسانی که راه خود را از آن مسیر کج کرده‌اند، همه یک صدا اعتراف می‌کنند که مزاری یگانه رهبری بود که هیچ‌گاهی برای خود نیندوخت و بعد از شهادت، چیزی برای خانواده خود باقی نگذاشت! این در حالی است که وی پول‌ها و اموال زیادی در دوران فعالیت‌های سیاسی نظامی در دست داشت؛ اما همه را در راه اهداف مبارزاتی به مصرف رساند.

۳. صبر و پایداری

از دیگر ویژگی‌های بارز استاد شهید، صبر و بردباری شگفت‌انگیز در برابر ناملایمات و مشکلات، تحمل و شکیبایی در مقابل تهمت‌های ناروا و رفتارهای ناسنجیده و غرض‌آلود ناهلان و کج‌اندیشان بود. از این‌رو، در وقت هجوم خطرهای هول‌انگیز و فشارهایی که روحیه افراد عادی را خرد می‌کرد،

”

استاد شهید در طول جهاد مقدس، به دور از خانه و خانواده، لحظه‌ای سنگر را رها نکرد و دمی نیاسود؛ با آن‌که در این راه مقدس، بهترین و نزدیک‌ترین عزیزانش را از دست داد؛ اما همچنان ثابت و استوار در راه جهاد بر حق باقی ماند.

“

ایشان باوقار و متانت شگفت‌آور خود به اطرافیان آرامش و اطمینان خاطر می‌داد.

به راستی آن یگانه روزگار ما در غرب کابل و در میان دود و آتش و در متن توده پابرنه و خسته از جنگ و نفاق خانمان سوز داخلی، مظهر صبر و پایداری به حساب می‌آمد و با آن همه حوادث ناگواری که فرارویش خودنمایی می‌کردند و آن همه موانعی که سر راه تحقق آرمان‌های بلندش؛ از جمله: برقراری صلح، امنیت، حکومت عادلانه اسلامی و مردمی، برقراری عدالت اجتماعی و امثال آن، به وجود آمد، هیچ‌گونه خللی در اراده آهنین و پولادینش وارد نشد و همه وقت و به هر وسیله ممکن، همچون: سخنرانی، مصاحبه، گفت‌وگو با طرف‌های درگیر و دیگر راه‌های صلح‌آمیز تلاش می‌ورزید که جلو جنگ و خشونت، ویرانگری، آوارگی و بدنامی مجاهدان راستین در سطح بین‌المللی گرفته شود و با همدلی و همسویی همه تشکلهای، نهادها و ملیت‌های حکومت فراگیر و مبتنی بر اراده تمام ساکنان افغانستان تشکیل شده، صلح و آرامش و امنیت دائمی و سراسری در فضای مغشوش جامعه آن روز ما حکمفرما شود.

با ابراز تأسف عمیق باید اذعان و اعتراف کرد که در آن زمان چشم دنیا کور و گوش جهانیان کر شده بود و یا لاقدر در قبال قضایای داخلی مملکت ما، به‌ویژه نسبت به ملیت مظلوم و عدالت‌طلب هزاره، حالت بی‌تفاوتی را در پیش گرفته بودند. بنابراین، به آن طرح‌های راهگشا و پیشنهادهای تأمین‌کننده منافع ملی استاد، واقعی ننهاندند؛ در حالی که هم اکنون، شاهد سرنوشت سیاه و مه‌آلود آن همه جنگ‌های طولانی که حاصلی جز تلفات گسترده انسانی، ویرانی‌های وسیع و خسارت‌های عظیم ملی و شکاف‌های قومی و نژادی و هزاران مصائب دیگر نداشته، هستیم؛ به‌یقین اگر به فریادها و طرح‌های راه‌گشای شهید وحدت ملی

توجه می‌شد، ثبات و صلح و امنیت در کشور حکم‌فرما می‌شد.

۴. ایمان به پیروزی

بارها از زبان خاص و عام شنیده‌ایم که گفته‌اند: ماهیچگاه باور نمی‌کردیم روزی فرا رسد که افغانستان از لوٹ وجود سربازان شوروی سابق و سپس سپاه جهل طالبان پاک شده، فضای باز سیاسی و حکومت منتخب مردمی برقرار شود؛ تحقق این مأمول بسیار بعید به نظر می‌رسید؛ اما رهبر شهید همواره از پیروزی حق و عدالت و رهایی انسان‌ها از چنگ عفریت جهل و ستم، تاجر و تعصب... بشارت می‌داد و در مورد به نتیجه رسیدن تلاش‌ها و زحمات خالصانه خود ایمان کامل و عقیده راسخ داشت و همین امر او را بیش از پیش مصمم‌تر می‌ساخت که بر خلاف بسیاری از رهبران گروه‌ها که هر از چندگاهی به سیر و سیاحت و سفر به خارج از کشور می‌پرداختند، در بطن حوادث کشور و در میان مردم رنج‌دیده خود بماند.

۵. شجاعت و از خودگذری

چه بسیارند افرادی که داعیه رهبری و سردمداری مردم را سر می‌دهند و سنگ طرفداری از حقوق و خواسته‌های عمومی را بر سینه می‌کوبند؛ اما در لحظات حساس و موقعیت‌های پرخطر به راحتی صحنه را ترک گفته، مردم را در میان امواج فتنه و آشوب به حال خود رها می‌کنند. به اعتراف همه کسانی که مزاری را می‌شناختند و می‌شناسند، او برای تأمین منافع عامه مردم خود از تمام مزایای زندگی شخصی و خانوادگی صرف نظر کرده و خود را وقف خلق سرگشته و حیران کرد و بارها فرمود: «من هیچ منفعی غیر از منافع شما مردم ندارم.» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۴: ۱۱۵).

”

با ابراز تأسف عمیق باید اذعان و اعتراف کرد که در آن زمان چشم دنیا کور و گوش جهانیان کر شده بود و یا لاقدر در قبال قضایای داخلی مملکت ما، به‌ویژه نسبت به ملیت مظلوم و عدالت‌طلب هزاره، حالت بی‌تفاوتی را در پیش گرفته بودند.

“

در روز های آخر عمر شریفش به خاطر پیش آمدن شرایط سخت و دشوار بر اثر محاصره گروه خون آشام طالبان، به استاد پیشنهاد می شود که کابل را ترک بگوید؛ اما استاد می گوید: «من در کنار مردم می مانم و سرنوشتهم یا اسارت است، یا شهادت» (همان، ۲۲۰).

۶. عشق به مردم

شهید وحدت ملی ما یکی از مردمی ترین رهبران جهان به حساب می آید و این میسر نیست مگر با عشق متقابل مردم و رهبری. اصولاً ایشان جز درباره نجات مردم از آن ظلمت کده و رهنمونی آنان به سوی آینده روشن، در سایه ایجاد وحدت ملی و تمامیت ارضی و حکومتی با پایه های وسیع مردمی، به چیز دیگری نمی اندیشید. رفتار بی تکلف همراه با محبت سرشار با خرد و بزرگ، زن و مرد و ساده زیستی و فروتنی او باعث شده بود که در قلوب مردم جا باز کرده، آحاد ملت نسبت به ایشان علاقه بالاتر از یک رهبر پیدا کنند. عنوان «بابه» یا بهتر بگوییم «بابه مزاری» از همین جا نشأت گرفته بود؛ زیرا باور عمومی بر این بود که «عبدالعلی مزاری» همچون پدری مهربان، دلسوز و فداکار برای ایشان است.

۷. ساده زیستی و بی آلابی

یکی از ویژگی های شخصیتی استاد، انتخاب یک زندگی ساده و بی تکلف است. این در حالی است که ایشان مثل خیلی از رهبران دیگر می توانست خانه های مجلل و زندگی آن چنانی ترتیب دهد؛ اما هیچ گاهی چیزی برای خود نیندوخت و هیچ وقت از بیت المال و اموال عمومی به نفع شخصی استفاده نکرد و تا لحظه آخر به زندگی علی وار خود ادامه داد.

در این زمینه دوستان و یاران شهید، خاطرات فراوانی نقل کرده اند که این جا مجال پرداختن به آنها نیست.

۸. فریادگر عدالت اجتماعی و وحدت ملی

یکی از شعارهای بنیادین و اساسی رهبر شهید تحقق عدالت اجتماعی و سهم گیری واقعی همه ملیت ها در تعیین سرنوشت شان بود. تنگ نظری ها و تبعیض های گذشته چنان او را می آزد که همه ذرات وجودش یک پارچه فریاد عدالت خواهی سر می داد. البته کمال بی انصافی است گمان ببریم ایشان برای قوم یا گروه خاصی حق و حقوق می خواست؛ زیرا این خود برخلاف عدالت و انصاف است.

هرچند که عده ای مغرض و مخالف وحدت ملی و عدالت اجتماعی، تهمت ناروای ناسیونالیستی را به ایشان می زدند و می زدند؛ اما چنان که گفته اند: «آفتاب حقیقت به طور همیشه پشت ابر پنهان نمی ماند.» امروز، پس از شهادت آن شخصیت سترگ برای آن عده انگشت شمار نیز واضح و روشن شده است که ایشان دارای اهداف بلند ملی و اسلامی بود و همین ویژگی او را به عنوان یک شخصیت ملی و حتی جهانی معرفی کرده است.

به عنوان نمونه، به سخنی از ایشان اشاره می شود: «ما مردم افغانستانیم، هیچ نژادی را نمی خواهیم. تاجیک است، افغان است، ایماق و دیگر اقوام هستند، همه آنها بیایند در این مملکت برادروار زندگی کنند و هر کس به حقوق شان برسد و هر کس درباره سرنوشت خودش تصمیم بگیرد.» (دولت آبادی، ۱۳۸۵: ۲۸۹).

۹. آماده بودن برای شهادت

استاد شهید از همان آغاز مبارزه به خطرات راهی که در پیش گرفته بود به خوبی آگاه بود و آگاهانه و با شجاعت و قاطعیت تمام گام فرابیش نهاده و تا لحظه آخر ذره ای اضطراب و یا تردید به خود راه نداد. زندگی در متن حوادث و در زیر باران گلوله برای او یک امر عادی تلقی می شد و با آن که همیشه به فکر محافظت از دین، وطن و جان مردم بی دفاع و مظلوم بود؛ اما هرگز به فکر حفظ جان خود نیفتاد و تصریح می کرد: «من در کنار شما مردم می مانم و دوست دارم که خونم همین جا در بین شما مردم بریزد.» (همان: ۱۱۵). این گونه آمادگی برای نیل به شهادت، حکایت از روح بزرگ و خلوص نیت و عقیده خلل ناپذیر ایشان دارد.

آری، سرانجام استاد گران قدر و رهبر آزاده و فداکار ما بر اثر یک توطئه ددمنشانه با بهترین یاران خود و به دست بدنام ترین و منحط ترین گروه عصر - گروهک تروریستی طالبان - به فیض عظمای شهادت، که یکی از آرزوهای همیشگی اش بود، نایل آمد.

منابع:

۱. دولت آبادی، بصیر احمد (۱۳۸۵). هزاره ها از قتل عام تا احیای هویت. بی جا: بی نام.
۲. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (۱۳۷۴). احیای هویت: مجموعه سخنرانی های استاد شهید عبدالعلی مزاری (چاپ اول). کابل: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (سراج).